

جنگ و اصلاح طلبان حکومتی

جنبش ضد جنگ و هواداران بیشمار صلح جهانی با حضور بی سابقه و قدرتمند خود در جای جای این سیاره مسکونی از جانب انسانها تا کنون در تشریح و تبیین سیاستهای منافع طلبانه و سلطه گرانه امپریالیسم آمریکا و شریک جرمش انگلیس دستاوردهای با ارزشی را کسب نموده است.

از جمله این دستاوردها حساسیت کامل افکار عمومی مردم جهان نسبت به اقدامات ضد بشری این نیروها در کشور عراق است. جهتگیری صلح طلبانه و خروج انسانها از دایره انفعال و احساس مسئولیت نسبت به مردم بی سلاح و غیرنظامی آن که هر روزه قربانیان بیشتری تحویل سیاست های منافع طلبانه و نفتخوارانه مونتفین میدهند نیز از آن جمله اند. در کنار این رهاوردهای جنبش ضد جنگ و ضد دیکتاتوری جاری و در امتداد حضور قدرتمند آن امپریالیسم نیز در سرانجام تند جاده نفرت و ضدیت عمومی افکار بین المللی قرار گرفته است.

این دو کشور که پس از فروپاشی اردوگاه بازدارنده سوسیالیسم مانعی در برابر خود نمیدیدند هم اکنون با سد عظیم جنبش صلح طلبانه مردم برخورد نموده اند. این جنبش در متنوع ترین اشکال خود جریان دارد و تمامی حضور رسمی و غیر رسمی این دو کشور را در سایر ممالک با خطر و اقدامات امنیتی گسترده مواجه نموده است تا حدی که پرسنل و بودجه ای سرسام آور را به این دو کشور تحمیل نموده است. در واقع جنگی که با هدف تامین امنیت سرمایه آغاز شده بود در مرحله کنونی نه تنها در راستای این هدف طی مسیر نمی کند بلکه به سرعت برخشم و نفرت مردم جهان نسبت به اقدامات جنگی آنان افزوده شده و صفوف مخالفان جنگ و دفاع از مردم غیرنظامی عراق هر روزه گسترده تر و متراکم تر میشود. سفارت خانه ها و مراکز فرهنگی سیاسی ایندو کشور در بسیاری از نقاط جهان هدف خشم و نفرت عمومی قرار گرفته و بی ثباتی فزاینده از مشخصات این مکان ها میباشد. دروازه ها و مرزهای اردن که برای استقبال از آوارگان جنگی در نظر گرفته شده بود هم اکنون به مسیری برای بازگشت عراقی ها مبدل شده است، جوانانی که برای دفاع از خانواده ها و سرزمین خود در برابر هجوم بیگانه و برای مبارزه با آن به کشور خود باز میگردند.

موشک های سرگردان و راه گم کرده مهاجمین که در کشورهای همسایه و نامطلوب مونتفین فرود میایند نیز امواج اعتراضی در منطقه را به اوج خود میرساند. این همه در حالی است که تکنولوژی پیشرفته و دقت عمل این تسلیحات نظامی سالها از موضوعات تبلیغی و نظامی این دو کشور بوده است.

نقشه ژئوپولیتیکی منطقه به تار مویی بسته شده است که هر لحظه تغییر و تحولات آن را باید در نظر گرفت. دخالت و گسیل احتمالی نیرو از جانب ترکیه و قلع و قمع کردهای محروم این منطقه، گسیل لشکر بدر به داخل عراق از جانب ایران و تهدیدات مکرر سوریه و ایران از جانب مقامات آمریکایی همه و همه بیانگر آن است که منطقه آبستن حوادثی بس عمیق تر و این رشته سر دراز دارد!

بی تردید آمریکا و انگلیس که مجموعا چهل و پنج درصد کل ذخایر تسلیحاتی جهان را در اختیار دارند پس از سرنگونی رژیم صدام که محتمل ترین راه خروجی بحران جاری میباشد از حضور مستقیم و بی واسطه این نیروها و تسلیحات موجود بیشترین بهره را برای حل معضلات و بحرانهای باقی مانده خواهند برد. این بحران ها که نقاط کور و گره ای آن در ایران و سوریه قرار دارد میتواند آتش جنگ و منافع طلبی آمریکا و انگلیس را

در بستر جنگ افروزی و بحرانزایی فقهای حاکم به داخل مرزهای ایران بکشاند و جنگی خاتمانسوز و ناخواسته را به مردم ستم کشیده و فقرزده کشورمان تحمیل نماید .

اصلاح طلبان حکومتی که تاکنون حلقه واسط ارتباطی و مشروعیت بخش طیف انحصارطلبان با دنیای خارج و در روابط بین المللی بوده اند و افتخاراتصال تمدن !!! ضد بشری حاکمان اسلامی با تمدن غرب و سایر مناسبات مدنی را بر عهده داشته اند تعطیلات نوروزی خود را در کمال آرامش برگزار نمودند و با سکوت طولانی مدت و پر معنای خود صحنه را برای صلح جویان !!! جمهوری اسلامی خالی گذاشتند . رفورمیست های حکومتی بخشا جنگ در خانه همسایه را نعمتی باد آورده ارزیابی میکنند که از برکت سقوط صدام و محاصره سیاسی نظامی ایران و فشارهای همه جانبه به انحصارطلبان به مواضع کلیدی و رهایی خودی ها از شر جناح مقابل دستیابند این طیف در شرایطی که هجوم نظامی به کشور همسایه جهانیان را به اعتراض و به صحنه دفاع از صلح کشانید و مرزبندی با جهان خواران و دیکتاتوری و استبداد سخن روز تمامی مجامع دمکراتیک و آزادیخواه میباشد ، همچنان مشغول و سرگرم به اتمام رساندن تعطیلات نوروز ماندند و از اعلام مواضع و اطلاعیه ها و قطعنامه های معمول خودداری ورزیدند و از روی رضا سکوت را برگزیدند .

این سکوت پر معنی و اسرار آمیز و مصلحت طلبانه که خالی از محتوی دیپلماسی فعال بین المللی ! و احترام به تمامیت ارضی کشورها بود ، از سویی دست حاکمان اسلامی که بیش از دو دهه جنگی نا عادلانه را به مردم ایران و فرزندان آزادیخواه و برومندش تحمیل نموده اند ، در دفاع دروغین از صلح باز گذاشت و از جانبی دیگر تداوم سرکوب فرهنگیان و دانشجویان در سایه جنگ و در همسایگی را با بی توجهی و سکوت کامل برگزار کردند .

این همه از بی اعتمادی و عدم اعتقاد این طیف به نیروی توده های زحمتکش ایران و وابستگی به موهبت ها و منافع حکومتی این طیف میباشد که در توجیح عملکرد بغایت اپورتونیستی خود به مقایسه تعطیلات نوروزی این مجموعه با مرخصی احزاب و مجامع دمکراتیک در اروپا که بیشترین نقش و مهمترین جایگاه دفاع از صلح و مخالفت با جنگ را به عهده گرفتند پرداختند !!!

بحران عراق هر روزه ابعادی وسیعتر و عمیق تر مییابد و دامنه خطرات احتمالی آن میتواند برای کشور ما که به لحاظ موقعیت سیاسی و جغرافیایی آن در منطقه از اهمیت بالایی برخوردار میباشد تاثیرات و پیامدهای جدی داشته باشد و گویای شرایطی خاص و اضطراری برای نیروهای اپوزیسیون چپ انقلابی و دمکرات است . این نیروها رو در رو با شرایطی ویژه هستند که اتفاقات و تحولات سیاسی میتوانند روزانه و بلحاظ سیاسی لحظه ای واقع شوند و گفتن آلترناتیو سیاسی و جدی را به پرسش عمومی نشانند .

احساس مسولیت و تعهد به زحمتکشان و مزدبگیران محروم جامعه میتواند بعنوان محرکی قوی در نزدیکی این احزاب و سازمان های این طیف به یکدیگر و در راستای تشکیل آلترناتیو سیاسی رژیم قرار گیرد .

همراه شدن با شتاب حوادث و اتفاقات کنونی نیازمند هوشیاری و مسولیت شناسی همه نیروهای معتقد به مبانی حقوق بشر و دموکراسی است و تنها با تشکیل چنین صفوفی میتوان مدعیان دروغین و بخشا وابسته آزادی و دموکراسی را در صحنه سیاسی کشورمان به انزوا کشانید و از حقوق پایمال شده مردم ایران دفاع کرد.

روزبه وین

ruzbeh2009@yahoo.de